

**پیامدهای عادی سازی روابط عبری - عربی
و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران**

www.ketab.ir

مسعود کیانی راد

سرشناسه	: کیانی‌راد، مسعود، ۱۳۷۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: پیامدهای عادی‌سازی روابط عبری - عربی و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران/مسعود کیانی‌راد.
مشخصات نشر	: نشر کیسان، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۶۲ ص.
شابک	: ۵۰۰۰۰۰۰ ریال: ۵-۳۹-۷۲۹۳-۷۲۲-۶۷۸-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۱۷۱ - ۱۷۸.
موضوع	: منهیونیست‌ها -- فلسطین
موضوع	: Zionists -- Palestine
موضوع	: امنیت ملی -- ایران
موضوع	: National security-- Iran
موضوع	: اسرائیل -- روابط خارجی -- خاورمیانه
موضوع	: Israel --Foreign relations --Middle East
موضوع	: خاورمیانه -- روابط خارجی -- اسرائیل
موضوع	: Middle East-- Foreign relations-- Israel
موضوع	: خاورمیانه -- تاریخ -- قرن ۲۱ م. -- دخالت ایالات متحده
موضوع	: th century -- Participation, U. S. Middle East -- History
رده بندی کنگره	: DS۱۴۹/۵
رده بندی دیویی	: ۳۲۰/۵۴۰۹۵۶۹۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۷۶۴۵۶۵۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیپا



پیامدهای عادی‌سازی روابط عبری - عربی و تاثیر آن بر امنیت ملی	: نام اثر
جمهوری اسلامی ایران	
مسعود کیانی راد	: نام مؤلف
صدیقه قلیان	: طراح و صفحه‌آرا
کیسان	: ناشر
وزیری	: قطع
پیشگام	: چاپ
اول/۱۴۰۰	: نوبت چاپ
۱۰۰ نسخه	: شمارگان
۵۰۰۰۰ تومان	: قیمت
۵-۳۹-۷۲۹۳-۷۲۲-۶۷۸-۹۷۸	: شابک



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۷	فصل اول: تشکیل جبهه عربی - عبری علیه جمهوری اسلامی ایران
۹	عادی سازی روابط اعراب با رژیم صهیونیستی
۱۲	تعریف مفاهیم
۱۵	فصل دوم: تشکیل ناتوی عربی در غرب آسیا
۱۷	اهداف ناتوی عربی در منطقه غرب آسیا
۲۲	کارگزاران و عاملان اجرای طرح ناتوی عربی
۲۴	اهداف عربستان سعودی از طرح ناتوی عربی
۳۰	اهداف آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی از طرح ناتوی عربی
۴۸	نفوذ امنیتی و پوشش اقتصادی اسرائیل با کشورهای پیرامون
۵۰	اردن و مصر؛ همسایگان مرزی وابسته به اقتصاد اسرائیل
۵۵	روابط اقتصادی راهبردی در آسیای مرکزی و قفقاز
۶۰	گسترش با واسطه روابط اقتصادی اسرائیل با اعراب خلیج فارس
۶۴	روابط اقتصادی اسرائیل با کردستان عراق و ترکیه
۶۷	الگوهای روابط اقتصادی اسرائیل با کشورهای منطقه و پیامدهای آن برای ایران
۶۹	تأثیر ناآرامی ها در کشورهای عربی بر امنیت اسرائیل
۷۱	رویکرد اولیه به ناآرامی در کشورهای عربی در برآوردهای امنیتی اسرائیل

تحول در رویکرد به ناآرامی در کشورهای عربی در برآوردهای امنیتی اسرائیل	۷۵
انقلاب‌های عربی و مهم‌ترین چالش‌های فوری امنیت اسرائیل	۷۸
سازوکار اسرائیل برای عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی	۸۴
سمت‌گیری و ماهیت سیاست‌های جاری	۸۶
سیاست‌های کلان اسرائیل	۸۹
اهداف اصلی سیاست عادی‌سازی روابط	۹۱
مکانیزم و ابزارهای اسرائیل برای عادی‌سازی روابط	۹۴
روابط عربستان و رژیم صهیونیستی (۲۰۲۰ - ۲۰۱۰)	۹۸
چرایی عادی ساز روابط عربستان و اسرائیل	۱۰۰
نقش ایالات متحده آمریکا به خصوص دولت ترامپ	۱۰۳
عدم توافق در ناتوی عربی	۱۰۵
عربستان و متحد منطقه‌ای	۱۰۶
دلایل ناکارآمدی عادی‌سازی روابط	۱۰۷
عادی‌سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی بر جبهه مقاومت	۱۱۲
علل و زمینه‌های عادی‌سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی	۱۱۹
تهدیدها	۱۲۴
فرصت‌ها	۱۲۸
فصل سوم: عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی	۱۳۵
سیاست‌ها و تعاملات عربستان - اسرائیل در قبال ایران در فضای پساتحریم	۱۳۷
قدرت شیعی و بسترهای اتحاد علیه جمهوری اسلامی ایران	۱۳۹
توافق ژنو و تهدید پنداری سعودی	۱۴۰
تعاملات سعودی - صهیونیستی پس از توافق هسته‌ای	۱۴۲
«برساختگی» ایران هراسی	۱۴۶
تحلیل سازه انگارانه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال رژیم صهیونیستی	۱۴۸
مبانی سیاست خارجی رژیم صهیونیستی و ابزارهای آن	۱۵۳
مناسبات خصمانه جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی	۱۵۴
ابعاد تهدیدات ایران برای رژیم صهیونیستی (از چشم‌انداز رژیم صهیونیستی)	۱۶۰
تهدیدات رژیم صهیونیستی و راهبردهای نرم‌افزاری ایران در مقابله با آن	۱۶۲

مقدمه

از زمانی که رژیم صهیونیستی به دست خبیث کشورهای سلطه‌گر اروپایی در سرزمین مقدس فلسطین بنیان‌گذاری و کشمکش عرب‌ها با آن و بحران خاورمیانه شروع شد، کوشید تا با کمک آمریکا که پس از استعمار انگلیس، قدرتمندانه پا به صحنه سیاسی جهان، به‌ویژه خاورمیانه گذاشته بود، با صلح کاذب با عرب‌ها کوشید و به‌عنوان یک کشور قدرتمند و قانونی، جایگاه خود را در منطقه خاورمیانه و در میان کشورهای عربی تثبیت کند. آمریکا سناریست و طراح اصلی این سیاست نیز ظرف چندین سال با تبانی و همکاری دیگر کشورهای غربی و برخی از دولت‌های مرتجع عربی کوشید تا راه‌حل‌های سازش با رژیم غاصب صهیونیستی را ارائه و یا صلح یک‌طرفه‌ای را به عرب‌ها تحمیل کند. این طرح‌ها و راه‌حل‌ها در طول زمان دچار تغییر و تحول و در نهایت با مخالفت مسلمانان و علمای اسلام روبه‌رو شدند. در نتیجه، راه‌حل‌های صهیونیستی — آمریکایی پیش از اینکه بر صحنه سیاسی منطقه تأثیری داشته باشند، محو و نابود شدند و یا برای مدت کوتاهی از نظرها دور ماندند. عرب‌ها و دیگر مسلمانان منطقه مذاکراتی را که پس از سال ۱۹۴۸ به‌منظور برقراری صلح بین عرب‌ها و رژیم صهیونیستی و تحکیم سلطه رژیم غاصب بر فلسطین اشغالی، در سازمان ملل متحد و دیگر مجامع انجام و منتهی به حذف نقشه فلسطین از جهان اسلام و خاورمیانه عربی شدند، از یاد نبرده‌اند. هیئت‌های اعزامی سازمان ملل و آمریکا و غرب به منطقه، غیر از پرداختن به مسائل جزئی مسلمانان و یا سهمیم شدن در تثبیت

حاکمیت رژیم صهیونیستی، هدف دیگری نداشتند. ملت مسلمان فلسطین نیز از این مسئله غافل نمانده است که هدف اصلی و خط‌مشی تاریخی آمریکا، ارائه راه حل‌های صلح برای تحکیم موقعیت صهیونیست‌های غاصب در فلسطین است؛ به این صورت که دولت آمریکا اگر بتواند با دیپلماسی آرام و در صورت شکست آن، با توسل به قوه قهریه از عرب‌ها، به‌ویژه فلسطینی‌ها، این قربانیان تجاوز رژیم صهیونیستی، به شکل به اصطلاح قانونی برای به رسمیت شناخته شدن رژیم صهیونیستی تلاش کند. با وجود همه این مسائل تا چندین سال قبل، غیر از مصر که در قرارداد کمپ دیوید با رژیم صهیونیستی سازش و جهان عرب را دچار تزلزل کرد، قبح صلح و مذاکره با رژیم صهیونیستی شکسته نشده بود و رژیم‌های عرب اجازه گفت‌وگوی مستقیم و یا حتی غیرمستقیم و با واسطه را با رژیم اشغالگر قدس به خود نمی‌دادند و یا با طرح‌های صلح آمریکا، بنا بر ملاحظات و تحت شرایطی، مخالفت می‌کردند. ولی نزدیکی و همسویی بیشتر این رژیم‌ها در چهار دهه اخیر به آمریکا و فروپاشی بلوک شرق، به‌ویژه شوروی که تا حدودی پشتوانه سیاسی بعضی از کشورهای عربی در کشمکش آنها با رژیم صهیونیستی بود و از همه مهم‌تر احساس خطر همه آنها از جنبش رولم رشد اسلامی، به‌ویژه پس از شروع انتفاضه اسلامی در فلسطین اشغالی، آمریکا را بر آن داشت تا دیگر بار در منطقه، دیپلماسی فعال خود را آغاز و نظر موافق عرب‌ها را درباره طرح صلح خاورمیانه جلب کند. به این ترتیب دور جدید این تحرکات سیاسی که از زمان ریگان، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در سال ۱۹۸۲ م، تحت عنوان «طرح صلح آمریکایی برای مردم خاورمیانه» شروع شده بود، شکل جدیدی به خود گرفت. این فرایند طی بیش از سه دهه ادامه یافت و در شرایط کنونی در طرح «عادی‌سازی روابط کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی» در رویکرد برخی از رژیم‌های وابسته و کوچک عربی نیز تجلی یافته است. البته سیاست‌مداران آمریکایی و نظریه‌پردازان رژیم غاصب تاکنون توانسته‌اند دو مسئله بسیار مهم و خطرناک را دریابند. این دو مسئله که از هنگام شکل‌گیری این

رژیم در قلب جهان اسلام آثار ژرفی بر روابط آمریکایی - صهیونیستی و روابط آمریکایی - عربی داشته است، عبارتند از:

- درک جنبه‌های گوناگون منافع آمریکا - با همه ابعاد امنیتی و سیاسی و اقتصادی آن - در جهان عرب.

— تحکیم اهمیت نقشی که رژیم صهیونیستی می‌تواند در خدمت به منافع امپریالیسم و حمایت از این مصالح ایفا کند.

این امر با تأکید بر ماهیت تجاوزکارانه این رژیم و تبعیت آن از مصالح آمریکا و با توجه به عمق دشمنی ملل مسلمان جهان، به‌ویژه منطقه خاورمیانه، با این مصالح صورت می‌گیرد. در نتیجه، آمریکا می‌تواند از مداخله مستقیم در مسائل و مشکلات و بحران‌های منطقه و یا هرگونه روهارویی مستقیم با عرب‌ها و حتی امپراتوری مضمحل شوروی شکل گرفته در روسیه کنونی دور باشد و روابط دوستانه خود را با کشورهای دوست عرب خود در منطقه حفظ کند. این موضوع تمام مسئله نیست، بلکه نکته مهم این است که گستره و دامنه توان رژیم صهیونیستی از نظر عملی، در گرو حمایت از مصالح آمریکا در جهان عرب است. لذا صهیونیست‌ها تلاش کردند همه توان خود را برای ایفای این نقش که خدمت به مصالح آمریکا در جهان عرب است، به کار گیرند. حتی تظاهر به قدرت برای ایفای این نقش، به معنای از دست دادن زمان برای خدمت به آمریکا به شمار نمی‌رود، بلکه کاری است که در درجه نخست و پیش از هر چیز به مصالح رژیم صهیونیستی خدمت می‌کند؛ زیرا این امر تضمین‌کننده تأیید و پشتیبانی تغییرناپذیر آمریکا از آن رژیم به شمار می‌آید و بر بنیادهای استوار استراتژیک متکی است. آمریکایی‌ها نیز درک کرده‌اند که مناسب‌ترین وضع برای مصالح آمریکا در جهان اسلام، تلاش برای بیرون راندن مخالفان و رقبای خود از منطقه و دست‌کم کشاندن رژیم‌های عرب منطقه به‌نوعی سازش و تسلیم در برابر توسعه‌طلبی‌های اشغالگران فلسطین و یا حداقل ایجاد نوعی هم‌پیمانی در میان آنهاست و سمت‌گیری آن، بیش از

هر چیز، تبعیت از غرب و ایالات متحده آمریکا و مخالفت و حتی سرکوب بیداری اسلامی و جنبش‌های آزادی و مقاومت در منطقه است؛ جریانی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کشورهای اسلامی منطقه را فرا گرفته و حتی از سال ۱۳۶۷، با انتفاضه فلسطین، دامن‌گیر رژیم اشغالگر قدس شده است. همچنین، آنان درک کرده‌اند که مسئله مهم برای آمریکا تضمین ادامه جریان کافی با قیمت‌های اندک به سوی آن کشور و هم‌پیمانانش و نیز تحکیم نفوذ و سیطره آمریکا در منطقه و تأمین مصالح آن در بازارهای جهانی کشورهای عربی و گشودن این بازارها به روی کالاها و خدمات و سرمایه‌گذاری‌های آمریکایی و حتی صهیونیستی است. نمونه گویا و زنده این مسئله، نقش مستقیم آمریکا در جنگ دوم خلیج فارس (حمله عراق به کویت)، در حمایت از کویت، برای تضمین جریان نفت و تثبیت نفوذ و حاکمیتش در منطقه است. اشغالگران فلسطین این کار را نه به موجب دوستی و علاقه و محبت به آمریکا، بلکه فقط برای منافع خویش و تحقق شعار «اسرائیل بزرگ» و تثبیت امنیت خود در منطقه و اقیانوس عربی پیرامونش انجام می‌دهد. آمریکا نیز در جهت نظر و خواسته رژیم صهیونیستی مبنی بر تسلیم عرب‌ها و همچنین به پاس خدمات شبانان این رژیم در منطقه برای آمریکا و حفظ موقعیت خود در خاورمیانه، هر چه را که در ابعاد و زمینه‌های گوناگون سیاسی، نظامی، اقتصادی و غیره در توان داشته، در طبق اخلاص گذاشته و بدون هیچ‌گونه ترس و واهمه‌ای، تقدیم رژیم صهیونیستی کرده و در این راستا، کمک‌های مادی و تسلیحاتی فراوانی را برای تقویت بنیه مالی و دفاعی و حفظ و ثبات و امنیت داخلی این رژیم انجام داده و در زمینه دیپلماسی و روابط بین‌المللی نیز از هرگونه نفوذ و اعمال‌نظر و حتی استفاده از حق و تو در سازمان ملل به نفع رژیم صهیونیستی فروگذاری نکرده است. درعین حال، با در نظر گرفتن برتری توان نظامی صهیونیست‌ها در مقابل کشورهای عربی، اقدام به تحرک سیاسی و عرضه طرح‌های سازشکارانه و صلح‌آمیز میان آنها کرده است که چند مورد اخیر آن در دوره دونالد ترامپ — پس از به

رسمیت شناختن شهر قدس به عنوان پایتخت این رژیم و انتقال سفارت آمریکا از تل آویو به این شهر—اجرا و تحمیل طرح عادی سازی روابط کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی به برخی از رژیم های وابسته و کوچک عربی حوزه خلیج فارس و شمال آفریقا مثل امارات، بحرین و سودان است. دونالد ترامپ روز پنجشنبه سیزدهم اوت ۲۰۲۰ با انتشار پستی در توییتر خود نشان داد که به رغم تأثیرات مخرب پاندمی کرونا، تحولات مهم بین المللی در سال ۲۰۲۰ همچنان با سرعت تمام در جریان است. این پست از توافق امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی بر سر عادی سازی روابط خود خبر می داد. بر اساس این توافق، امارات که طی سال های اخیر در عرصه سیاست های منطقه ای جایی برای خود باز کرده است و سعی دارد تا کمبود مؤلفه های قدرت چون شمار جمعیتی، موقعیت جغرافیایی، تاریخ و ظرفیت نظامی خود را با قدرت مالی جبران کند و در نقش بازیگر متعادل صحنه معادلات قدرت ظاهر شود، رژیم صهیونیستی را به رسمیت خواهد شناخت. تل آویو در مقابل، طرح الحاق بخش هایی از کرانه باختری را به حالت تعلیق در خواهد آورد و دو کشور همکاری در زمینه های مختلف را توسعه خواهند داد. اعلام این توافق از سوی ترامپ در واقع با سیاست داخلی آمریکا در ارتباط است. روابط رژیم صهیونیستی و امارات و همسویی سیاست های منطقه ای این رژیم ها به ویژه پس از خیزش های مردمی موسوم به «بهار عربی» نمود بیشتری یافته و گهگاه در رسانه های بین المللی اخباری مبنی بر دیدار و گفتگوی پنهانی رهبران دو کشور منتشر می شوند. مخالفت اکثریت مردم جهان اسلام با حکومت های مستبد حاکم، جریحه دار شدن وجدان جمعی میلیاردی مسلمان به دلیل سیاست های تهاجمی و توسعه طلبانه رژیم صهیونیستی، از جمله عوامل اصلی نزدیکی روابط دو کشور محسوب می شود. بر این اساس امارات، بعد از مصر و اردن سومین کشور عربی خواهد بود که روابط رسمی و علنی با رژیم صهیونیستی برقرار کرده است.